



البته ما با این هدف وارد مذاکرات شدیم که مذاکرات موفق شود اما احساس می‌کنم که اگر مذاکرات موفق نشود حتما مردم ایران به این نتیجه رسیده‌اند که به خاطر زیاده خواهی طرف مقابل خواهد بود



او هر توافقی بد است و اینکه می‌گوید توافق بد بدتر از توافق نکردن است یعنی از دید او هر توافقی بد است زیرا او می‌داند توافق با تحمیل فرق دارد و مردمی که هشت سال مقاومت کردند هیچ تحمیلی نمی‌پذیرند. من احساس می‌کنم که این قناعت در جامعه بین المللی هم شکل گرفته که اگر توافق نشود به خاطر این نیست که ایران به دنبال سلاح بوده یا نخواسته توافق شود یا منطقی بر خورد نکرده یا انعطاف لازم را نداشته بلکه به خاطر این بوده که گروهی دنبال توافق نبوده و بیشتر بر هم زدن توافق را می‌خواستند.

شاید بتوان مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا را در این سطح و این مقدار را در ۳۶ سال بعد از انقلاب بی نظیر توصیف کرد از طرف دیگر و به همان نسبت هم شاید حمایت‌های رهبر انقلاب از شما و تیم شما تقریباً بی نظیر بوده و تعبیری همچون "بچه‌های انقلاب" به کار بردند، این حمایت‌ها چه مقدار در کار شما تاثیر داشته و در بزنگاه‌های مذاکرات که هم از طرف خارج و هم از داخل فشارهایی داشتید توانسته کار شما را پیش برد و گشایش ایجاد کند؟

همان طور که شما گفتید "بی نظیر بود" یعنی هیچ چیز به اندازه محبت‌های مسئولین کشور به ویژه مقام معظم رهبری قوت قلب به مذاکره کنندگان نداده است. ما هم از مردم که بسیار به ما محبت کردند و هم از مسئولین و هم از رهبری بسیار سپاسگزاریم. البته من یقین دارم که زمانی که ما به مذاکرات می‌رویم حتی منتقدین ما نیز ما را دعا می‌کنند و همین برای من قوت قلبی است که بدانم بعید است کسی در کشور باشد و برای این مذاکرات دعا نکند و توافقی را نخواهد و این برای من قوت قلب بالایی بود.

در آن لحظه‌های بسیار سخت راهگشا بوده است؟

حتما کمک کرده به خاطر این که اگر این حمایت‌ها نبود حتما فشارهای داخلی که بعضی‌ها از نگرانی‌هایی ناشی می‌شود که ما هم در آن‌ها شریکیم و در مواضع بعضی‌ها هم ممکن است برخی ملاحظات سیاسی داخلی دخیل باشد که ان شاء... نباشد، بعضی اوقات می‌توانست سهمگین باشد.

می‌تواند بر مذاکرات به نفع ما اثر داشته باشد؟
این هم از همان فضا سازی هاست چون یک فضا سازی صورت گرفته بود که ایران دنبال راه حل نیست و ایران یک تهدید است. آن فضا چون شکسته همه معادلات به هم خورده است. در آن طرف که حتما به هم خورده و در داخل هم اعتقاد ندارم که هیچ کس باور کرده بود اما اگر کسی هم فکر کرده بود که ما می‌توانستیم به شکل دیگری تعامل کنیم، امروز کاملا مشاهده کردند که دولت ضمن اینکه دنبال حفظ دستاوردهاست و آمادگی ندارد که عزت ملی را مورد معامله قرار دهد، آماده تفاهم است. این قناعت الان در بین تمام اقشار جامعه ما وجود دارد. من انسجام داخلی را در این حوزه خوب می‌بینم. انتقاد هم وجود دارد. انتقادهایی که وجود دارد احساس می‌کنم از نگرانی‌هایی است که ما هم در آن نگرانی‌ها شریکیم. عدم اعتماد به کشور های غربی و به خصوص آمریکا یک واقعیت تاریخی است و ریشه در رفتار آمریکا در قبال ایران دارد اما یک تفاوتی بین بنده و دوستان دلواپس وجود دارد که من اعتقاد دارم که ما این توان را داریم که با آمریکا مذاکره کنیم و دیدگاه‌های خود را به نتیجه برسانیم. حتماً نه هیچ کشوری و نه ما می‌پذیریم که یک طرف دیگر تمام دیدگاه‌هایش را به طرف مقابل تحمیل کند. بنابراین اینکه بتوانیم به خواسته‌های خودمان برسیم به نظر من ممکن است. البته هر ممکنی قطعی نیست اما ما می‌توانیم این کار را بکنیم. آمریکایی‌ها ممکن است اشتباه کنند. به نظر من الان بهترین فرصت برای آمریکاست که بتواند موضوع هسته‌ای را حل بکند چون الان موضوع هسته‌ای ما با وجود مشکلات زیادی که منطقه دارد دیگر موضوعیت ندارد و باید حل شود اما این امکان دارد که دولت‌ها اشتباه کنند. دولت‌ها در گذشته اشتباه کردند و الان هم ممکن است اشتباه کنند. اگر ما به تفاهم برسیم به خاطر اشتباه محاسباتی آمریکایی‌هاست که فکر کردند می‌توانند از طریق فشار عمل کنند اما یک فرصت و امکان جدی برای رسیدن به راه حل بر اساس اینکه ما حقوق و منافعمان و نگرانی‌هایمان را حفظ کنیم وجود دارد.

فکر می‌کنید اگر امروز توافق شکل نگیرد به همین سهولتی که فرمودید جامعه ما و افکار عمومی داخلی قبول کند و انسجام ملی ما حفظ شود؟

البته ما با این هدف وارد مذاکرات شدیم که مذاکرات موفق شود اما احساس می‌کنم که اگر مذاکرات موفق نشود حتما مردم ایران به این نتیجه رسیده‌اند که به خاطر زیاده خواهی طرف مقابل خواهد بود. افکار عمومی جهانی هم به این قناعت رسیدند که ایران دنبال راه حل و حل شدن موضوع است. نتانیاهو هم عملاً نشان می‌دهد که با هر راه حلی مخالف است و دنبال راه حل نیست و می‌خواهد توافق را بر هم بزند. از دید

امنیتی یا تهدید ساختگی به اسم بر نامه هسته‌ای ایران و خود ایران اصولاً باشد که بتواند همه اینها را توجیه کرده و بپوشانند. امروز چون این پوشش کنار رفته آن سیاست هارو شده و نگرانند.

دومین دستاوردی که در این مذاکرات حاصل شده دستاورد فنی مذاکرات است. یعنی روزی غربی‌ها گمان یا تبلیغشان این بود که هدف ایران از غنی سازی رسیدن به تسلیحات هسته‌ای است. امروز اگر چه همین اتهام تکرار می‌شود اما تقریباً در سطوح سیاسی، فنی و علمی و آژانس همه به این واقعیت رسیدند که راه حل فنی برای اطمینان از اینکه غنی سازی به ساخت بمب نرسد وجود دارد. در حقیقت با این دستاورد حالا همه منتظر اراده سیاسی به خصوص در طرف مقابل هستند.

من نمی‌دانم این دستاورد مذاکرات است یا واقعیت است. در واقع مذاکرات توانست با برداشتن پرده ایران هر اسی مقداری از این واقعیت را نشان دهد و الا در سال‌های اخیر بیشترین همکاری با آژانس انرژی اتمی از سوی ایران انجام شده و شاید در هیچ جای دنیا غیر از این، آژانس انرژی اتمی این قدر فعال نبوده و این در حالی است که ما ۱۷ مرکز هسته‌ای داریم و ژاپن ۱۷۰ تأسیسات هسته‌ای دارد اما با این حال شما اگر گزارشات سال ۲۰۱۳ آژانس را ببینید متوجه می‌شوید ایران بعد از ژاپن دومین کشور است و میزان کوتاهی‌های گزارش‌های ایران کمتر از یک درصد و به اندازه‌ای است در حالی که کشورهایی هستند که ۲۰ یا ۳۰ درصد، خلاف و حتی یکی دو نمونه صد درصد خلاف را داریم. اینکه علی‌رغم همه اینها یک گروه دروغ پرداز توانسته بودند یک فضای امنیتی علیه ایران ایجاد کنند شکستن این مساله یک توفیق در مذاکرات بود.

به نظر شما اینکه اساساً راهکار فنی برای رسیدن به توافق در مذاکرات هسته‌ای وجود دارد، چقدر می‌تواند به ظهور اراده سیاسی در طرف مقابل در ادامه مذاکرات و برای رسیدن به توافق کمک کند؟

الان آنچه که مهم است بخشی تخصصی است که خیلی موثر است و روشهای مختلف فنی وجود دارد که ایجاد اطمینان کند که ایران به دنبال سلاح هسته‌ای نیست اما اراده سیاسی کجا مهم است؟ اینکه این در کی که از انتخابات ایجاد شده که تحریم کار ساز نیست و در طول مذاکرات نیز این درک تقویت شده و این در کی که پیدا شده که با مذاکره می‌شود به راه حل بهتری رسید نسبت به اینکه می‌شود از طریق فشار عمل کنند چون از طریق فشار که مردم مقاومت می‌کنند و از طریق مذاکره است که می‌توان به نتیجه رسید این تبدیل به یک نتیجه عملی شود یعنی غربی‌ها و به خصوص آمریکایی‌ها بتوانند از تحریم‌هایی که سی سال است برایش سرمایه گذاری کردند و سی سال تلاش کردند که این چنین تحریمی را ایجاد کنند دست بردارند. آن‌ها از ماجرای لانه جاسوسی آمریکا تا جنگ تحمیلی و بعد از قطعنامه ۵۹۸ و ابتدای پرونده هسته‌ای آمریکا دنبال تحریم شورای امنیت ایران بوده و در همه موارد نتوانسته به نتیجه برسد و بعد نتوانسته ۶ قطعنامه شورای امنیت را علیه ایران به تصویب برساند همه اعضای دائم را پشت سر خودش هماهنگ کند. امروز کاملاً به نظر من طرف آمریکایی به این قناعت رسیده که این تحریم‌ها فایده‌ای ندارد. به این قناعت رسیده که یا تحریم و یا توافق؛ نمی‌شود هم تحریم باشد و هم توافق، اما اینکه بشود از این دستاورد ذهنی و توهم سرمایه خودش دست بردارد این یک اراده سیاسی می‌خواهد و یک تصمیم جدی برای طرف آمریکایی ضروری است که واقعیت را بپذیرد نه فقط در ذهن بلکه در عمل.

به نظر می‌رسد سومین دستاورد بحث انسجام ملی است که در داخل ایجاد شده - حتی اگر مذاکرات شکست بخورد - و از سوی دیگر بر هم خوردن انسجام ضد ایران در طرف مقابل و به ویژه آمریکایی‌ها ایجاد کرده است. برخی معتقدند که شما در ایجاد این فضای رسانه‌ای و انسجام به شخصه موثر بودید. آیا این انسجام داخلی در موفقیت کار شما اثر گذار است؟ و عدم انسجام طرف مقابل چگونه

